

هر چقدر آمریکایی‌ها سعی می‌کنند تا انتشار تصاویر آتش‌سوزی بزرگ در کالیفرنیا را مدیریت کنند اما عمق فاجعه آن قدر زیاد است که قاب‌های آه‌آه‌آه‌آه‌آه عجبی خلق شده

زیربنای ایجاد امید

یادداشت

مصطفی غنی‌زاده
پژوهشگر سیاسی

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم قم، یک هسته اساسی دارد. توجه به افکار عمومی و برساختن که دشمن می‌خواهد در جامعه نفوذ دهد و پرده‌ای از توهم اقتدار خود را در جامعه بسط دهد. علاوه بر این، ایشان وظیفه همه آن‌ها که مخاطب دارند را «زنده کردن» امید در دل‌ها معرفی می‌کنند. اما سؤال اینجاست که ملزومات این دو راهبرد کلان چیست؟ زیربنای هر دو امر را که مقابله با بازی دروغین دشمن و ایجاد امید در دل‌هاست، اعتماد عمومی یا به تعبیری سرمایه اجتماعی تشکیل می‌دهد. پیام و روایت وقتی به جامعه می‌رسد که منبع آن مورد اعتماد باشد. آنجاست که می‌توان نشان داد دشمن برخلاف تصویر برساختن خود، اقتداری ندارد و اتفاقاً درگیر ده‌ها مشکل داخلی و خارجی است. همچنین ابزارهای مختلفی در دست کشور است که باید مورد استفاده قرار گیرد. احساس امید و تصویری مشترک از آینده نیز نیاز به همین اعتماد دارد. البته شروط لازم دیگری هم وجود دارد که باید در جای خود مورد بحث واقع شوند.

حال این خواسته و راهبرد را با برخی کنشگری‌های اخیر به ویژه در فضای حامیان انقلاب مقایسه کنیم. در متن قبلی توضیح دادم که مسئله اعتمادزدایی از حامیان انقلاب توسط برخی افراد، بسیار خطرناک است و می‌تواند ضرباتی اساسی را به نظام وارد کند. وضعیتی که هسته اصلی حامیان و پای کارهای انقلاب، به تمام ساختارها و نهادها نظام بی‌اعتماد بشوند.

یکی از آخرین مورد‌های عجیب این فرایندهای خطرناک، سخنان صادق کوشکی درباره شهید نصرالله و تحریف بیانات آن شهید عزیز بود. دوستان قبلاً توضیح داده‌اند که آن سخنان چطور توسط کوشکی تحریف شده تا گزاره «سید حسن از ما [ایران] برای اولین بار گایه کرده» اثبات شود. حتماً به یاد دارید که یک خط رسانه‌ای از لحظه شهادت سید حسن نصرالله در منطقه فعال شد تا بگوید، «ایران، سید حسن را فروخت». حالا کوشکی این خط را به داخل کشور می‌آورد و به انقلابیون می‌گوید که واقعاً این اتفاق رخ داده است.

کوشکی سابقاً دولت پزشکیان را به متهم‌تخریب‌الاشام تصویر کرده بود که آن‌ها در حال «تصرف و استحاله کامل حج، آستان مقدس و مجلس» و فقه قضائیه را موظف دانسته بود که دولت رامهار کنند. او قبلاً خطاب به قالیباف گفته بود «واقعاً مطمئنی این دولت برای حل مشکلات مردم بسته شده باشد؟» و به او اعتراض کرده بود که چرا گفتی باید به این دولت کمک کرد تا به موفقیت برسد. این‌ها یعنی او قبلاً قوای سه‌گانه در کشور را تخریب کرده بود و حالا به مرحله بعدی نائل شده که سپاه و مسئولان نظامی و امنیتی کشور را با تحریف بیانات سید عزیز، تخریب کند. باید فکری برای این فرایندهای اعتمادزدایی کرد. اما راه آن، از گفت‌وگو و اقناع حامیان انقلاب می‌گذرد. یعنی به جای تریبون دادن به امثال آقای کوشکی، برخی توضیحات توسط چهره‌های موثرتر که پذیرش عمومی بیشتری داشته باشند، ارائه شود.

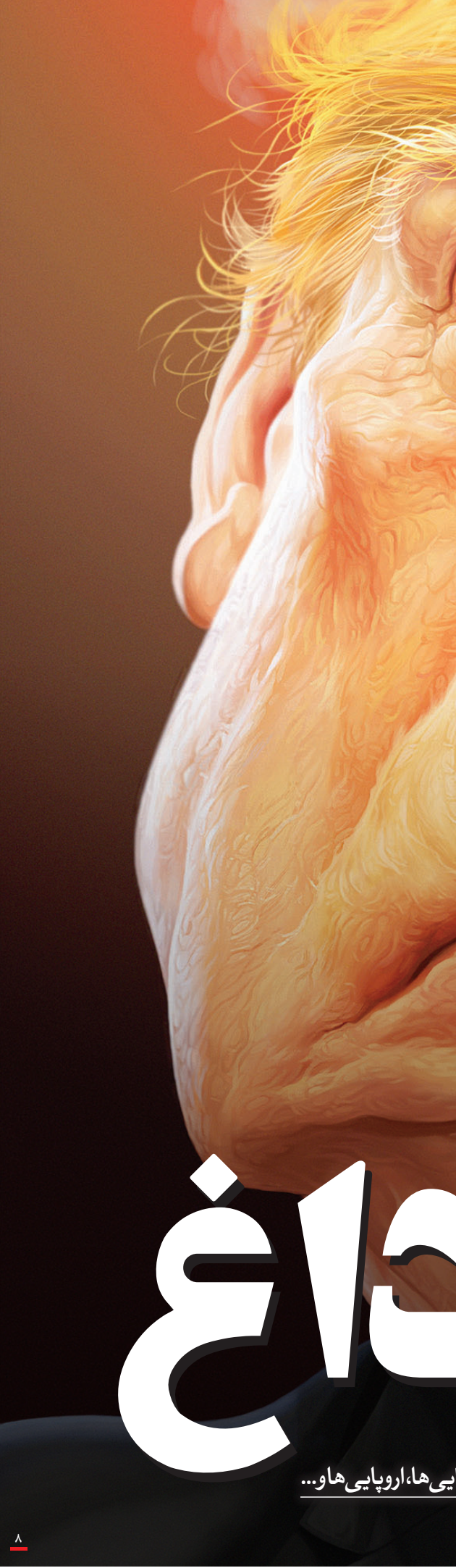
اما این داستان، یک بال دیگر هم دارد که باید بانگاهی انتقادی، واقع‌گرایانه و آرمان‌گرایانه بررسی شود. این یک واقعیت است که در یک سال و نیم اخیر و در نگاهی دیگر، در چهار سال اخیر، برخی تحلیل‌های اشتباه و برخی تصمیم‌های نادرست، باعث شده وضعیت محور مقاومت به مرور با مشکلات بسیاری مواجه باشد. اگر قرار باشد هرچه تقد می‌شود را تخریب معرفی کنیم و هر کسی نقد می‌کند را سوبر انقلابی بنامیم، وضعیت تصحیح نخواهد شد و مسیرها اصلاح نخواهد شد. لذا نکته اساسی این است که نه باید تخریب کرد و نه باید در راه روی انتقاد به کلی بست.

اما مرز میان تخریب یا همان فرایندهای اعتمادزدایی و انتقاد چیست؟ تخریب همان طور که کوشکی و یارانش انجام می‌دهند با تحریف واقعیت همراه است. تخریب، اساس ساختار و اشخاص را می‌زند و آن‌ها را به کلی مقصر معرفی می‌کند. تخریب ایده‌یجابی ندارد و صرفاً غر می‌زند. تخریب، همه چیز را سیاه‌انتمایی می‌کند و در تصویرسازی از آینده امیدوارکننده ناتوان است. اما انتقاد اصولی، همه واقعیت را به تمامی می‌بیند. برای تحلیل خود واقعیت را تحریف نمی‌کند، بلکه شواهد متعددی برای بحث خود ارائه می‌دهد. تصویری مثبت و واقعی از آینده ارائه می‌دهد که آرمان‌گرایانه است، ولی دارای پلکانی از مراحل واقعی برای دستیابی به آن آرمان‌هاست و اما اگر نقدی به مدیر یا فرماندهی یا ساختاری دارد، کلیت آن را زیر سؤال نمی‌برد؛ بلکه اشکال‌نگاه، تحلیل یا تصمیم مشخصی از آن را تذکر می‌دهد. باید فهم کرد که برای اصلاح وضعیت، راهی جز استقبال از انتقادات مثبتی بر عقل و تحلیل داده‌محور نیست. اما این کار باید در فضایی علمی و کارشناسی باشد و نه همایش‌هایی با حضور این آقایان خاص و عجیب. لازمه این امر آن است که نهاد‌های تصمیم‌گیر، فضا را برای گفت‌وگو و شنیدن این سخنان باز کنند.

درواقع این یک مسیر دوطرفه است که سخن و تحلیل کارشناسان شنیده شده و برای عامه مردم توضیح و تبیین می‌شود. اولی، اصلاح از درون را مهیا می‌سازد و دومی مانع طبیعی و اقناعی تحلیل‌های مشعشع خواهد بود. فرایند کنونی، تقریباً برعکس بوده است. اولاً، درها برای بخشی از جامعه کارشناسی کشور بسته بوده یا به درستی در تحلیل و تصمیم دخیل نشده است. ثانیاً، فضا برای همین سخنان تخریبی به‌مرور باز و بازر شده است. اول با تخریب دولت شروع شده و پس از آن مجلس و فقه قضائیه حالا به سپاه و... رسیده است. این فرایندهای درهم‌تنیده، هم واقعیت را با مشکلات بیشتر مواجه می‌کنند و هم اذهان را با بی‌اعتمادی بیشتر همراه می‌سازند.

فرهنگستان

شماره ۴۳۲۷
صفحه ۱۶
تومان ۱۰۰۰۰
شنبه ۲۲ دی ۱۴۰۳
۱۰ رجب ۱۴۴۶
۱۱ ژانویه ۲۰۲۵



ناگهان جهنم

۱۵ و ۱۴

استقبال داغ

آتش‌سوزی وسیع در کالیفرنیا و ضعف حکومت آمریکا در رفع آن باعث شده تا مسلمان‌ها، کانادایی‌ها، مکزیکایی‌ها، پانامایی‌ها، اروپایی‌ها... هر کدام به کنایه این اتفاق را به رویکردهای ترامپ، بایدن و... مرتبط بدانند

اما واگرهای وفاق

مفهوم وفاق در همایشی که محمد جواد ظریف برگزار کرد بررسی شد؛ اما سؤال مهم تریخی کارشناسان این است که آیا وفاق اساساً ظرفیت گفتمانی دارد؟

به گرم شدن جشنواره امیدوار باشیم؟

ترکیب آثار انتخاب شده برای جشنواره نشان می‌دهد علاوه بر کارگردان‌های جدید شاهد بازگشت برخی چهره‌های بازیگری بعد از چند سال خواهیم بود

۶۳ درصد خودروهای تهران جای پارک ندارند

نقشه راه جامعه‌پردازی دانشگاه آزاد در گام دوم



طرح: فرش فریبی فرهنگستان